

عوامل مؤثر بر مشارکت جوامع محلی در پروژه احیای اراضی جنگلی تخریب یافته شهرستان ریگان، استان کرمان

محدثه دریجانی^۱، محمدرضا محبوبی^{۲*}، حسین بارانی^۳ و غلامحسین عبدالله‌زاده^۴

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد ترویج کشاورزی دانشکده مدیریت کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان
^۲ دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشکده مدیریت کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان
^۳ دانشیار گروه مرتع‌داری دانشکده محیط زیست، مرتع و آبخیزداری، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۵/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۵/۲)

چکیده

استفاده از مشارکت مردمی در حفظ و احیای منابع طبیعی به‌عنوان یک نیاز و ضرورت مطرح است، به‌طوری‌که تأکید بر مشارکت مردم در تصمیم‌های مرتبط با منابع طبیعی آسان‌ترین راهکار حفظ این منابع ارزشمند است. پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت جوامع محلی در پروژه احیای اراضی جنگلی تخریب‌یافته در شهرستان ریگان استان کرمان انجام گرفت. بدین منظور با استفاده از روش تحقیق توصیفی و فن پیمایش، ۳۶۰ نفر از مشارکت‌کنندگان در پروژه به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از ابزار پرسشنامه صورت گرفت و پایایی آن با مطالعه راهنما تأیید شد. نتایج آزمون همبستگی نشان داد بین متغیرهای اندازه تحصیلات، اندازه اراضی زراعی و باغی و هنجارهای اجتماعی و مشارکت جوامع محلی در پروژه رابطه معنی‌دار مثبت و بین متغیرهای سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی و مشارکت جوامع محلی در پروژه رابطه معنی‌دار منفی وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد، ۳۸ درصد تغییرات مشارکت از طریق متغیرهای سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی، اندازه اراضی زراعی، تعداد گوسفند و اندازه درآمد ماهانه تبیین‌پذیر است. ارتباط بیشتر کارشناسان با جامعه محلی و توجه بیشتر به مشارکت گروه‌های خاص از جمله زنان و افراد غیربومی در پروژه از جمله پیشنهادهای این پژوهش بوده است.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی، شهرستان ریگان، مشارکت، منابع طبیعی.

مقدمه

به‌طوری‌که تأکید بر مشارکت مردم در تصمیم‌گیری در خصوص منابع طبیعی، نزدیک‌ترین و آسان‌ترین راهکار حفظ این منابع است و در این زمینه مناسب‌ترین رهیافت، رهیافت مشارکتی است (Faham et al., 2008; Rohi et al., 2010). مشارکت در منابع طبیعی عبارت است از تلاش سازمان‌یافته و تشریح مساعی دوجانبه‌ای که ضمن برطرف کردن نیازهای معیشتی بهره‌برداران در آنها ایجاد انگیزه

امروزه راهبردهای مدیریت جنگل و محافظت از تنوع زیستی از توجه و تمرکز به برنامه‌ریزی متمرکز و مدیریت سازمان‌های دولتی به راهبردهای مشارکتی با اهداف متوازن اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی تبدیل شده است (Azimi & Amirilamar, 2008). استفاده از مشارکت مردمی در حفظ و احیای منابع طبیعی به‌عنوان یک نیاز و ضرورت مطرح است،

روابط نهادی و امنیت سرمایه‌گذاری در بخش منابع طبیعی وجود نخواهد داشت (Heidari et al., 2004). مشارکت اجتماعی در یک تعریف کلی عبارت است از شرکت فعال و سازمان‌یافته افراد و گروه‌های اجتماعی در امور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... جامعه (Nematollahi et al., 2013). سرمایه فرهنگی در برگزیده تمایلات پایداری است که در خلال اجتماعی شدن در فرد انباشته می‌شوند (Zare & Fallah, 2012). در این میان فرهنگ مشارکت به معنی مجموعه‌ای از خصایص فرهنگی و رفتارهای جمعی زمینه‌ساز مشارکت است که از آن جمله می‌توان به اندازه و نوع اعتماد، وفاداری و تعهد اجتماعی، همیاری و همکاری و نیز به تساهل و تسامح فکری نسبت به یکدیگر اشاره کرد. در مورد همیاری، برخی بر این باورند که همیاری مترادف اصطلاح یاریگری است. همیاری، مشارکت عمومی روستاییان در انجام کارها و طرح‌هایی است که تمامی دست‌اندرکاران از آن سود و منفعتی مشترک می‌برند. تعهد را می‌توان وفاداری و داشتن هویت و احساس مسئولیت فردی، شغلی و سازمانی دانست. تعهد مدنی مستلزم وظایف متقابل و مسئولیت‌پذیری برای کنش است. با بهره‌گیری از هنجارهای همکاری‌های متقابل، می‌توان همکاری را برای منافع متقابل تسهیل کرد، احساس مشارکت را در فرد گسترش داد و بر اندازه ترجیح افراد برای عمل جمعی افزود. تساهل و تسامح به معنی "به‌آسانی و نرمی با کسی برخورد کردن" است. ماهیت این ویژگی فرهنگی در کنش مردم، بیان عقیده افراد و تحمل اندیشه دیگران است که مشارکت را تسهیل و ممکن می‌سازد (Anabestani, 2013). هنجارهای اجتماعی، چگونگی روابط، رفتارها و کنش‌های تقریباً تغییرناپذیر انسانی را مشخص می‌سازند، محدودیت‌هایی نیز در رفتار انسان به وجود می‌آورند (Farjad, 1998). هنجار اجتماعی است که تعیین می‌کند انسان چه باید بگوید و از گفتن چه چیزهایی باید اجتناب ورزد، باید چگونه بیندیشد،

می‌کند، تا داوطلبانه در حفظ، احیا، توسعه و بهره‌برداری اصولی از منابع طبیعی همکاری کنند. اهمیت مشارکت در حفظ منابع طبیعی در کشور ما نیز طی سال‌های اخیر توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران را به خود معطوف کرده است، به‌گونه‌ای که در سند منابع طبیعی و آب‌خیزداری در افق ۱۴۰۴، یکی از شاخص‌های اصلی در خصوص منابع طبیعی، نسبت مشارکت‌پذیری مردم در حفاظت از منابع طبیعی است که بر اساس پیش‌بینی صورت‌گرفته تا پایان سال ۱۴۰۴، این نسبت باید به صددرصد ارتقا یابد (Eshaghi et al., 2008).

مطالعات پژوهشگران در مورد عوامل فردی مؤثر بر مشارکت روستاییان نشان داده است از بین عوامل فردی ویژگی‌هایی مانند سن، جنس، سطح تحصیلات، شغل و مالکیت تأثیر بیشتری بر مشارکت داشته است (Anabestani, 2013). ابعاد و معیارهای فرهنگی و اجتماعی مانند سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و هنجارهای اجتماعی نیز بر مشارکت مردمی در حفظ منابع طبیعی مؤثرند. سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های سازمان اجتماعی است که هماهنگی و همکاری را برای منفعت متقابل تسهیل می‌کند (Kasani et al., 2012). سه بعد سرمایه اجتماعی (اعتماد، انسجام و مشارکت اجتماعی) را می‌توان در کاهش یا افزایش اندازه سرمایه اجتماعی مؤثر دانست (Nematollahi et al., 2012). پژوهشگران اغلب از سه نوع متفاوت از اعتماد یاد کرده‌اند. نخست اعتماد بستگان و خویشاوندان، دوم اعتماد اجتماعی میان افراد که بیانگر اعتماد افراد به یکدیگر و افراد جامعه است و در نهایت اعتماد نهادی که ناظر بر احساس افراد به نهادها یا حرفه‌های مختلف یا حتی بخش‌های گوناگون دولتی است (Anabestani, 2013). اعتماد نهادی از مهم‌ترین شاخص‌های سرمایه اجتماعی است و زمینه مشارکت اجتماعی را فراهم می‌کند. مشارکت اجتماعی همان سرمایه اجتماعی در جامعه است که بدون تحقق آن اعتماد فردی، روابط بین‌گروهی،

فعالیت‌هایی چون توسعه جنگل با کاشت بذر و نهال، پیشگیری و اطفای حریق، کودپاشی و بذرپاشی در مراتع، قرق مراتع، خروج دام از مراتع، ایجاد بندهای خاکی انجام می‌گیرد. برمبنای شواهد موجود از آنجا که بخشی از فعالیت‌ها و اقدامات انجام گرفته در پروژه به دلیل نداشتن مشارکت یا مشارکت ضعیف جوامع محلی، فاقد کارایی و اثربخشی لازم بوده است (Yusefi & Behbahani, 2015)، باید عوامل فردی، ارتباطی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر مشارکت جوامع محلی در پروژه و اندازه اهمیت آنها مشخص شود تا از این طریق امکان افزایش کارایی و اثربخشی فعالیت‌ها و اقدامات فراهم آید.

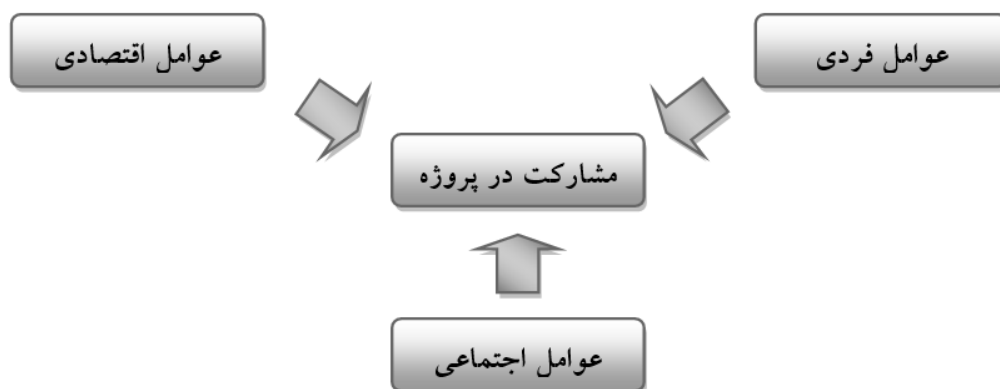
براساس نتایج پژوهش‌های انجام گرفته مشارکت افراد محلی در طرح‌های حفاظت از منابع طبیعی متأثر از عوامل مختلفی است، از جمله اینکه Hematzade & Khalighi (2006) در تحقیق خود نتیجه گرفتند بین سن، درآمد و اندازه مشارکت بهره‌برداران رابطه معنی‌دار وجود دارد، اما بین سطح سواد، شناخت از پروژه‌ها، مالکیت و تمایل به مشارکت رابطه معنی‌داری وجود ندارد. Faham et al. (2008) در پژوهش خود دریافتند رابطه معنی‌داری بین تعداد اعضای خانوار، تعداد دفعات مسافرت به شهر، نیاز به همبستگی اجتماعی، نگرش مثبت روستاییان در خصوص طرح‌ها و اندازه مشارکت آنان در طرح‌ها وجود دارد. نتایج تحقیق Baghaie et al. (2008) نشان داد بین متغیرهای سن، منزلت اجتماعی، اندازه مشارکت اجتماعی، اندازه نگرش نسبت به مشارکت، اندازه نوگرایی، اندازه اعتماد به افراد مختلف و اندازه تمایل به انجام کارهای جمعی با مشارکت روستاییان در طرح‌های آبخیزداری رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. Golshiri Esfahani et al. (2009) در تحقیق خود با عنوان «تأثیر انسجام اجتماعی بر اندازه مشارکت روستاییان»، به این نتیجه رسیدند بین متغیرهای انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی روستاییان

چگونه رفتار کند، چه اعمالی را انجام دهد و از انجام چه اعمالی باید اجتناب ورزد و به همین دلیل سعی می‌کند رفتار خود را با هنجارهای اجتماعی سازگار کند تا جامعه او را به عضویت خود بپذیرد. هنجارهای اجتماعی موجب می‌شود فرد رفتارهای خود را براساس آنها تنظیم کند (مثل حضور همسر، فرزندان، سایر روستاییان و... در پروژه، رسم اجتماعی، میثاق اجتماعی، تشریفات اجتماعی، شعائر اجتماعی، آداب اجتماعی، شیوه‌های قومی، قوانین اجتماعی، اخلاق اجتماعی و مقررات اجتماعی). رعایت کردن هنجار اجتماعی هم‌نواپی با جامعه است. افراد از همان آغاز کودکی و تشکیل شخصیت از طریق خانواده، پدر و مادر، خواهران، برادران بزرگ‌تر، دوستان و خویشاوندان خود به تدریج هنجارهای اجتماعی را فرا می‌گیرند و آن را جزئی از شخصیت خود می‌سازند و می‌آموزند آنچه را که هنجار اجتماعی است به کار بندند و آنچه را که خلاف هنجار اجتماعی است به کار نیندند (Khajerashidan, 2008).

در حال حاضر، در سطح جهان و ایران، پروژه‌های زیادی در بخش منابع طبیعی با مشارکت جوامع محلی در حال اجراست که شناسایی عوامل مؤثر بر اندازه مشارکت جوامع محلی می‌تواند راه رسیدن پروژه‌ها به موفقیت را هموار کند. از جمله این پروژه‌ها، می‌توان به پروژه بین‌المللی احیای اراضی جنگلی تخریب‌یافته شهرستان ریگان در استان کرمان اشاره کرد. اهداف اصلی پروژه پرداختن به مهم‌ترین تهدیدهای پیش روی منابع جنگلی و اراضی در ایران، از میان برداشتن موانع کلیدی پیش روی مدیریت پایدار زمین و جنگل، احیای تنوع زیستی، افزایش ظرفیت اراضی و چشم‌اندازهای جنگلی تخریب‌یافته، بهره‌برداری از خدمات و محصولات به‌دست آمده از اکوسیستم و در نتیجه ایجاد معیشت پایدار، امنیت غذایی و مقابله با بیابان‌زایی از طریق ارتقای فعالیت‌های یکپارچه مشارکتی و افزایش ظرفیت ملی و محلی است (Rahmani, 2010). در قالب این پروژه

تحقیقی دیگر جنسیت، بُعد خانوار، اندازه درآمد، مالکیت زمین و کمک‌های فنی از عوامل مؤثر بر مشارکت جوامع محلی در برنامه‌های مدیریت جنگل در بورکینافاسو معرفی شد (Pascaline et al., 2011). همچنین عضویت در تعاونی و گروه‌ها، اندازه مالکیت و هماهنگی بین اعضای تعاونی و دولت از عوامل مؤثر بر مشارکت اعضای تعاونی جنگل در جنگل‌های ترکیه بوده است (Erdogan et al., 2014). برخی محققان تمایل و توانایی روستاییان و تعاملات اجتماعی آنان را در مشارکت آنان مؤثر دانسته (Lawrence et al., 2001) و برخی ناآگاهی از برنامه، بی‌سوادی، شرایط بد اقتصادی، بی‌اعتمادی به برنامه‌های دولت، فرهنگ یارانه^۱، تغییر در پرداخت دستمزدها و فقدان پیش‌پرداخت‌ها را در اندازه مشارکت مردم در برنامه‌ها تأثیرگذار ذکر کرده‌اند (Brahmi & Keharsingh, 2011). با توجه به بررسی مبانی نظری و پیشینه، می‌توان عوامل مؤثر بر مشارکت جوامع محلی در پروژه احیای اراضی جنگلی و تخریب‌یافته شهرستان ریگان را شامل عوامل فردی، اقتصادی و اجتماعی دانست. در نتیجه مدل زیر قابل ارائه است (شکل ۱).

رابطه معناداری وجود دارد. نتایج تحقیق Sharifi et al. (2010) نشان داد متغیرهای سطح تحصیلات، اندازه رضایت‌مندی، اندازه انسجام اجتماعی، سطح پایگاه اقتصادی-اجتماعی، عضویت در نهادهای عمومی روستا، اندازه مسافت به خارج از روستا، اندازه استفاده از منابع اطلاعاتی، سابقه فعالیت کشاورزی، اندازه مالکیت باغ و زمین کشاورزی، اندازه درآمد از طریق فعالیت‌های کشاورزی، سطح زیر کشت زمین کشاورزی و فعالیت در شورای اسلامی روستا رابطه مثبت و معنی‌داری با مشارکت روستاییان در طرح‌های آبخیزداری دارد. (Heidari Sareban 2011) در تحقیقی به این نتیجه رسید که بین سرمایه اجتماعی و اندازه مشارکت روستاییان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. (Anabestani et al. 2012) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که همبستگی معناداری بین رضایت مردم از عملکرد نهادها و اندازه دخالت دولت در امور نهادهای مردمی با اندازه مشارکت مردم وجود دارد. نتایج تحقیقی نشان داد مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار در مشارکت داوطلبانه جوامع محلی در مدیریت جنگل‌ها، سن و اندازه تحصیلات بوده است (Lestaari et al., 2014).



شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق

¹ Subsidy culture

مواد و روش‌ها

منطقه پژوهش

محدوده جغرافیایی تحقیق شهرستان ریگان در جنوب شرقی استان کرمان و دارای اقلیم گرم و خشک و متوسط بارندگی ۴۸ میلی‌متر در سال است. منابع طبیعی شهرستان شامل ۳۶۰۰۰ هکتار جنگل، ۶۲۸۴۷۱ هکتار مرتع و ۴۷۳۲۸۴ هکتار بیابان است. اراضی منطقه به دو شکل پست و مرتفع است که در اراضی پست گونه‌های درختچه‌ای مانند گز و کهور ایرانی و در اراضی مرتفع گونه‌های درختی و درختچه‌ای بومی چون بادام کوهی و بنه می‌روید. مطالعات فرسایش نشان می‌دهد در مجموع، ۳۴۵۴۱۱ هکتار از اراضی شهرستان تحت تأثیر فرسایش بادی است که موجب جابه‌جایی ۱۲ میلیون تن ذرات شن در هر سال می‌شود. از سال ۱۳۹۰ بر مبنای همکاری مشترک ایران، سازمان خواربار و کشاورزی جهانی و تسهیلات جهانی محیط زیست^۱، پروژه بین‌المللی احیای اراضی جنگلی تخریب‌یافته با هدف جلوگیری از گسترش بیابان و پیامدهای آن در این شهرستان در حال اجراست (Yusefi & Behbahani, 2015).

شیوه اجرای پژوهش

این تحقیق به شیوه پیمایشی و در سال ۱۳۹۴ انجام گرفته است. جمعیت مورد پژوهش شامل تمامی سرپرستان خانوار مشارکت‌کننده در پروژه در ۵۸ روستای شهرستان ریگان در دو بخش مرکزی و گنبدکی به تعداد ۱۶۰۰ نفر بودند که با استفاده از جدول (Krejcie & Morgan (1970)، ۳۶۰ نفر از آنان با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. مشارکت‌کنندگان به کمک کارشناسان پروژه شناسایی شدند. اطلاعات لازم با تکمیل پرسشنامه و از طریق مصاحبه جمع‌آوری شد. بخش‌های مختلف پرسشنامه شامل ویژگی‌های مختلف پاسخگویان

(متغیرهای مستقل) شامل ویژگی‌های فردی (سن، جنسیت، سطح تحصیلات، وضعیت تأهل، خاستگاه، نوع شغل، تعداد اعضای خانواده، اندازه ارتباط با کارشناس پروژه، اندازه تماشای تلویزیون، اندازه پژوهش روزنامه، اندازه گوش کردن به رادیو، مسافت روستای محل زندگی تا شهر، اندازه مسافت به شهر)، اقتصادی (وضعیت اشتغال، اندازه اشتغال به کار کشاورزی و دامداری در طول روز، اندازه درآمد، مساحت اراضی زراعی و باغی تحت مالکیت، تعداد گاو، تعداد گوسفند) و اجتماعی شامل سرمایه اجتماعی (اندازه اعتماد در روابط فردی، اعتماد نهادی، امنیت اجتماعی، مشارکت اجتماعی)، سرمایه فرهنگی (تساهل و تسامح، حس همیاری، تعهد اجتماعی) و هنجارهای اجتماعی بود. متغیرهای مربوط به سرمایه اجتماعی براساس شاخص ۲۲ گویه-ای، سرمایه فرهنگی براساس شاخص ۱۸ گویه‌ای و هنجارهای اجتماعی براساس شاخص ۹ گویه‌ای تدوین شد که هر کدام از این گویه‌ها براساس طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای شامل خیلی زیاد (با ارزش عددی ۵)، زیاد (با ارزش عددی ۴)، متوسط (با ارزش عددی ۳)، کم (با ارزش عددی ۲) و خیلی کم (با ارزش عددی ۱) سنجیده شدند. متغیر وابسته این تحقیق شاخص مشارکت بود که از طریق ترکیب متغیرهای مربوط به وضعیت مشارکت پاسخگو به دست آمد، به این ترتیب که متغیرهای مربوط به وضعیت مشارکت پاسخگو شامل متغیرهای علاقه به مشارکت در پروژه، شکل مشارکت (نیروی کار با دستمزد و بدون دستمزد)، ساعت فعالیت در پروژه در طول هفته، در اختیار گذاشتن اراضی ملکی در پروژه، اندازه اراضی ملکی در اختیار گذاشته شده برای پروژه، اجرای عملیات نهالکاری، اجرای عملیات بذرپاشی، در اختیار گذاشتن ماشین‌آلات در پروژه، کمک فکری و مشورتی به پروژه، کمک مالی به پروژه، اندازه کمک مالی به پروژه، شرکت در کلاس‌های آموزشی-ترویجی، اندازه شرکت در کلاس‌های

¹ Global Environmental Facility (GEF)

در کار دامداری و کشاورزی فعالیت داشتند. میانگین تعداد اعضای خانوار آنان ۵ نفر و میانگین درآمد ماهانه آنان حدود ۳۱۵ هزار تومان بود. میانگین مساحت اراضی زراعی و باغی تحت مالکیت آنان ۱/۳ هکتار، میانگین تعداد گاو و گوسفند آنان به ترتیب ۱ و ۲۲ رأس بود. بیشتر آنان در طول ماه یک بار با کارشناس پروژه ارتباط دارند و در طول روز ۰/۵ تا ۳ ساعت را به تماشای تلویزیون و گوش کردن به رادیو اختصاص می‌دهند، ولی بیشتر آنان (۷۵/۸ درصد)، روزنامه مطالعه نمی‌کنند. میانگین مسافت روستای محل زندگی بیشتر آنان تا شهر حدود ۱۸ کیلومتر است. بیشتر آنان (۵۰/۶ درصد) وسیله نقلیه دارند و ماه ۱ تا ۵ بار به شهر سفر می‌کنند. بیشتر افراد مورد پژوهش (۹۰/۸ درصد) با علاقه شخصی، بدون دریافت دستمزد (۷۸/۶ درصد) در پروژه مشارکت کردند. این افراد به طور میانگین ۱۲ ساعت در هفته در پروژه فعالیت دارند. بیشتر افراد مورد پژوهش (۸۵ درصد)، در عملیات نهال کاری مشارکت داشته‌اند. بیشتر افراد مورد پژوهش (۷۸/۶ درصد) در کلاس‌های آموزشی- ترویجی پروژه شرکت کرده و میانگین حضور آنان ۴ بار بوده است. اعضای خانواده بیشتر آنان (۷۳/۹ درصد) در پروژه مشارکت داشتند؛ به طور میانگین حدود ۲ نفر از اعضای خانواده.

ویژگی‌های اجتماعی پاسخگویان

سرمایه اجتماعی

براساس نتایج در بین گویه‌های اعتماد در روابط فردی، گویه «اعتماد به اعضای خانواده»، در بین گویه‌های اعتماد نهادی، گویه «اعتماد به رئیس شورای روستا»، در بین گویه‌های امنیت اجتماعی، گویه «احساس امنیت خود و خانواده» و در بین گویه‌های مشارکت اجتماعی، گویه «در مراسم ایام و مناسبت‌های مذهبی (عید فطر، قربان و ...) حضور فعال دارم»، اولویت اول را به خود اختصاص داده است (جدول ۱).

آموزشی- ترویجی، مشارکت اعضای خانواده در پروژه و تعداد اعضای مشارکت‌کننده خانواده در پروژه بود که در نتیجه با توجه به تفاوت مقیاس این متغیرها، برای محاسبه شاخص مشارکت ابتدا از طریق رابطه ضریب محرومیت، کلیه متغیرها به یک مقیاس واحد تبدیل شدند و سپس از طریق ترکیب خطی این متغیرها شاخص نهایی مشارکت محاسبه شد (رابطه ۱).

$$X_{EC} = \frac{(X_R - X_{Min})}{(X_{Max} - X_{Min})} \quad \text{رابطه ۱}$$

که در آن؛ X_{EC} = ضریب محرومیت، X_R = مقدار واقعی، X_{Min} = مقدار حداقل و X_{Max} = مقدار حداکثر است.

روایی پرسشنامه را استادان گروه ترویج و آموزش کشاورزی و گروه مدیریت مناطق بیابانی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان تأیید کردند. پایایی پرسشنامه با انجام یک طرح پژوهش راهنما بر روی ۳۰ نفر در یک جامعه مشابه با جامعه مورد پژوهش که خارج از نمونه آماری بودند، تعیین شد و ضریب آلفای کرونباخ برای متغیر سرمایه اجتماعی ۰/۹۶، سرمایه فرهنگی ۰/۹۵ و هنجارهای اجتماعی ۰/۹۳ بود. اطلاعات به دست آمده با کمک نرم افزار SPSS20، تجزیه و تحلیل شد. برای این منظور از آماره‌های فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار، ضریب تغییرات، مقایسه میانگین، ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون استفاده شد.

نتایج

ویژگی‌های فردی و اقتصادی پاسخگویان

براساس نتایج بیشتر افراد مورد پژوهش مرد (۷۱/۱ درصد)، با میانگین سنی ۳۸ سال، متأهل و بومی بودند و ۴۱/۱ درصد آنان سواد خواندن و نوشتن داشتند. ۹۱/۱ درصد آنها شاغل بودند و شغل بیشتر آنان (۳۷/۵ درصد)، کشاورزی و دامداری با میانگین سابقه حدود ۱۳/۵ سال بود و به طور میانگین حدود ۵ ساعت در روز

جدول ۱- اولویت‌بندی گویه‌های مربوط به سرمایه اجتماعی

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین*	سرمایه اجتماعی
اعتماد در روابط فردی				
۱	۰/۱۵۸	۰/۶۹۸	۴/۴۰۸	اعتماد به اعضای خانواده
۲	۰/۲۵۶	۱/۰۱	۳/۹۳۶	اعتماد به کارشناسان
۳	۰/۲۶۱	۰/۹۸۵	۳/۷۶۳	اعتماد به همسایگان و دوستان
۴	۰/۲۷۹	۱/۰۶۵	۳/۸۱۶	اعتماد به افراد تحصیل کرده روستا
۵	۰/۲۸۶	۱/۰۵۹	۳/۶۹۱	اعتماد به معلمان روستا
۶	۰/۳۲۰	۱/۱۷۸	۳/۶۸۰	اعتماد به نخبگان محلی (افراد باتجربه، رهبران محلی و ریش‌سفیدان)
اعتماد نهادی				
۱	۰/۲۸۱	۱/۰۶۰	۳/۷۶۱	اعتماد به رئیس شورای روستا
۲	۰/۲۸۵	۱/۰۵۵	۳/۶۹۷	اعتماد به کارشناسان و ناظران پروژه
۳	۰/۳۱۸	۱/۱۳۳	۳/۵۵۲	اعتماد به اعضای شورای روستا
۴	۰/۳۳۰	۱/۱۷۶	۳/۵۵۸	اعتماد به دهیار روستا
۵	۰/۳۶۴	۱/۲۸۴	۳/۵۱۰	اعتماد به صداوسیما (رادیو و تلویزیون)
امنیت اجتماعی				
۱	۰/۲۲۱	۰/۹۱۷	۴/۱۳۶	احساس امنیت خود و خانواده
۲	۱/۲۴۰	۰/۹۳۵	۳/۸۸۶	برخورد با متخلفان و تعرض‌کنندگان به منابع طبیعی
۳	۰/۳۳۳	۱/۱۷۰	۳/۵۰۵	سرمایه‌گذاری مجریان در پروژه بدون نگرانی
۴	۰/۳۵۵	۱/۲۲۷	۳/۴۴۷	آسودگی و امنیت خاطر برای مشارکت در پروژه
مشارکت اجتماعی				
۱	۰/۳۵۰	۱/۳۱۲	۳/۷۴۴	در مراسم، ایام و مناسبت‌های مذهبی (عید فطر، قربان و ...) حضور فعال دارم.
۲	۰/۴۳۷	۱/۴۲۷	۳/۲۶۱	در پایگاه بسیج روستا عضویت دارم و به‌عنوان عضو فعالیت می‌کنم.
۳	۰/۴۸۶	۱/۴۲۴	۲/۹۲۵	به نهادهای عام‌المنفعه و خیریه کمک می‌کنم.
۴	۰/۴۹۴	۱/۵۰۸	۳/۰۵۰	با دهبیاری روستا در انجام وظایف و امور مربوط به روستا همکاری می‌کنم.
۵	۰/۵۲۱	۱/۵۶۳	۳/۰۰۰	در انجمن اولیا و مربیان مدرسه عضو هستم و در امور مربوط به مدرسه همکاری دارم.
۶	۰/۵۳۷	۱/۴۷۹	۲/۷۵۰	در شرکت تعاونی روستا عضو هستم و در انجام امور مربوط به هیأت مدیره کمک می‌کنم.
۷	۰/۵۶۵	۱/۵۲۷	۲/۷۰۰	با اعضای شورای اسلامی روستا در انجام وظایفشان همکاری می‌کنم.

* دامنه ۵-۱

اول را به خود اختصاص داده است (جدول ۲).

سرمایه فرهنگی

براساس نتایج در بین گویه‌های تساهل و تسامح، گویه «احترام مردم به یکدیگر»، در بین گویه‌های حس همیاری، گویه «جویای احوال بودن در مواقع گرفتاری» و در بین گویه‌های تعهد اجتماعی، گویه «عمل کردن مسئولان روستا به وظایف خود»، اولویت

هنجارهای اجتماعی

نتایج نشان می‌دهد گویه «انجام یک کار اخلاقی، چون حفظ منابع طبیعی امری پسندیده است»، اولویت اول را به خود اختصاص داده است (جدول ۳).

جدول ۲- اولویت‌بندی گویه‌های مربوط به سرمایه فرهنگی

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین*	سرمایه فرهنگی
تساهل و تسامح				
۱	۰/۲۸۳	۱/۱۰۶	۳/۹۰۲	احترام مردم به یکدیگر
۲	۰/۲۹۸	۱/۱۳۰	۳/۷۸۶	اهمیت مردم به یکدیگر
۳	۰/۳۰۴	۱/۳۲۰	۳/۲۸۱	اهمیت تصمیمات جمعی بر فردی
۴	۰/۳۲۵	۱/۱۱۴	۳/۵۱۹	نحوه برخورد مسئولان روستا با مردم
۵	۰/۳۳۰	۱/۱۶۷	۳/۵۳۳	پذیرش نظرهای شورا از سوی ادارات دولتی
۶	۰/۴۱۰	۱/۳۵۰	۳/۲۹۱	پذیرش نظرهای مردم از سوی ادارات دولتی
۷	۰/۴۲۷	۱/۴۱۷	۲/۹۹۷	حسادت در میان مردم
حس همیاری				
۱	۰/۲۸۶	۱/۰۴۳	۳/۶۳۸	جویای احوال بودن در مواقع گرفتاری
۲	۰/۳۱۲	۱/۱۲۷	۳/۶۰۵	علاقه‌مندی مردم در حل مشکلات محل (روستا)
۳	۰/۳۳۵	۱/۱۶۲	۳/۴۶۳	توانایی در حل مشکلات یکدیگر
۴	۰/۳۵۷	۱/۲۳۱	۳/۴۴۱	حساب باز کردن روی کمک مردم در حل مشکلات
۵	۰/۳۵۹	۱/۲۹۹	۳/۶۱۶	کمک فکری برای رفع مشکلات یکدیگر
۶	۰/۳۶۵	۱/۲۵۱	۳/۴۲۷	کمک مالی برای رفع مشکلات یکدیگر
۷	۰/۳۷۷	۱/۲۷۶	۳/۳۷۷	کمک به یکدیگر در فصول کشاورزی
تعهد اجتماعی				
۱	۰/۲۹۸	۱/۰۹۰	۳/۶۵۵	عمل کردن مسئولان روستا به وظایف خود
۲	۰/۳۲۲	۱/۱۷۰	۳/۶۲۷	خوش قول بودن مردم در کارهایشان
۳	۰/۳۳۸	۱/۲۱۸	۳/۵۹۴	احساس مسئولیت نسبت به یکدیگر
۴	۰/۳۳۹	۱/۱۸۴	۳/۴۸۶	توجه مسئولان روستا در حل مشکلات مردم

* دامنه ۱-۵

جدول ۳- اولویت‌بندی گویه‌های مربوط به هنجارهای اجتماعی

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین*	گویه‌ها
۱	۰/۲۹۵	۱/۱۳۹	۳/۸۵۵	انجام یک کار اخلاقی، چون حفظ منابع طبیعی امری پسندیده است.
۲	۰/۳۲۵	۱/۲۲۳	۳/۸۱۱	به‌جا آوردن دستورهای خداوند و بزرگان دین در مورد حفظ منابع طبیعی
۳	۰/۳۲۵	۱/۱۷۵	۳/۶۰۸	به‌جا آوردن رسم جامعه در زمینه تعاون و همکاری در حفظ محیط زندگی
۴	۰/۳۳۵	۱/۲۱۲	۳/۶۰۸	برای عمل به قوانین موجود در زمینه حفظ منابع طبیعی
۵	۰/۲۵۴	۱/۲۲۰	۳/۴۴۴	حضور سایر افراد محل در پروژه
۶	۰/۳۶۵	۱/۲۳۸	۳/۳۸۳	حضور رهبران محلی و ریش‌سفیدان در پروژه
۷	۰/۴۱۷	۱/۳۹۸	۳/۳۵۰	حضور افراد فامیل و خویشاوندان در پروژه
۸	۰/۴۶۵	۱/۴۵۱	۳/۱۱۹	حضور همسر و فرزندان در پروژه
۹	۰/۴۸۵	۱/۴۹۷	۳/۰۸۳	حضور روستاییان روستاهای مجاور در پروژه

* دامنه ۱-۵

در پروژه داشته‌اند. همچنین با توجه به نتایج، بین اندازه مشارکت پاسخگویان مجرد و متأهل، بیکار و شاغل، شنونده رادیو و غیرشنونده رادیو و روزنامه‌خوان و غیرروزنامه‌خوان، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و در واقع گروه‌های نامبرده مشارکت یکسانی در پروژه داشته‌اند (جدول ۴).

مقایسه گروه‌های مختلف برحسب مشارکت در پروژه احیای اراضی جنگلی تخریب‌یافته
نتایج نشان می‌دهد بین اندازه مشارکت دو گروه زن و مرد، بومی و غیربومی و دارای وسیله نقلیه و فاقد آن، تفاوت معنی‌دار وجود دارد. با توجه به مقایسه میانگین رتبه‌ای می‌توان گفت زنان نسبت به مردان، افراد بومی نسبت به غیربومی و افراد دارای وسیله نقلیه نسبت به افراد فاقد آن، مشارکت بیشتری

جدول ۴- نتایج مقایسه اندازه مشارکت در پروژه در بین گروه‌های مختلف پاسخگویان

مشارکت در پروژه		
طبقات	میانگین رتبه‌ای	آزمون آماری
جنسیت	مقدار U	
زن	۲۰۰/۶۲	*-۲/۳۳۸
مرد	۱۷۲/۳۳	
وضعیت تأهل		
مجرد	۱۵۶/۱۱	-۱/۹۲۸
متأهل	۱۸۵/۰۹	
وضعیت اشتغال		
بیکار	۲۰۱/۱۴	-۱/۱۷۵
شاغل	۱۷۸/۴۹	
خاستگاه		
بومی	۱۸۴/۴۵	*-۲/۹۷
غیربومی	۱۱۳/۳۳	
گوش کردن به رادیو (ساعت در روز)		
گوش می‌دهم.	۱۸۴/۷۸	-۱/۰۷۶
گوش نمی‌دهم.	۱۷۲/۳۶	
خواندن روزنامه (ساعت در روز)		
مطالعه نمی‌کنم.	۱۷۸/۷۴	-۰/۵۶۷
مطالعه می‌کنم.	۱۸۶/۰۱	
داشتن وسیله نقلیه		
بله	۱۹۹/۷۳	** -۳/۵۴۵
خیر	۱۶۰/۸۳	

** معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ درصد

* معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ درصد

دارای ۱ تا ۵ بار مسافرت به شهر و بیشتر از ۶ بار مسافرت به شهر در طول ماه تفاوت معنی‌دار وجود دارد. با توجه به مقایسه میانگین رتبه‌ای می‌توان گفت

بین اندازه مشارکت سه گروه بدون ارتباط، دارای ۱ بار ارتباط و دارای ۲ بار و بیشتر ارتباط با کارشناس پروژه در طول ماه و سه گروه بدون مسافرت به شهر،

پاسخگویان دارای ۲ بار و بیشتر ارتباط با کارشناس پروژه در طول ماه و ۱ تا ۵ بار مسافرت به شهر در طول ماه، مشارکت بیشتری در پروژه داشته‌اند (جدول ۵).

جدول ۵- نتایج مقایسه اندازه مشارکت در بین گروه‌های مختلف پاسخگویان

مشارکت در پروژه		
میانگین رتبه‌ای	مقدار χ^2	طبقات
		اندازه ارتباط با کارشناس پروژه (در ماه)
۱۱۷/۷۳	۵۴/۲۴۸**	اصلاً ارتباط ندارم.
۲۰۳/۳۴		۱ بار
۲۱۰/۷۹		۲ بار و بیشتر
		اندازه مسافرت به شهر (در طول یک ماه)
۱۴۸/۳۸	۱۱/۱۶۴*	هیچ
۱۹۸/۳۱		۱-۵ بار
۱۶۱/۳۲		بیشتر از ۶ بار
		اندازه تماشای تلویزیون (ساعت در روز)
۱۹۱	۱/۹۹۶	تماشا نمی‌کنم.
۱۸۰/۸۲		۰/۵-۳
۱۶۳/۴۴		بالای ۳
** معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ درصد		* معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ درصد

با افزایش سرمایه اجتماعی پاسخگویان، آنان مشارکت کمتری در پروژه دارند. علاوه بر این، بین سرمایه فرهنگی و مشارکت پاسخگویان در پروژه، رابطه منفی و معنی‌داری مشاهده شد که به معنای این است که با افزایش سرمایه فرهنگی پاسخگویان، مشارکت آنان در پروژه کاهش می‌یابد (جدول ۶).

عوامل تبیین‌کننده مشارکت پاسخگویان در پروژه

به منظور بررسی رابطه علی بین عوامل مؤثر بر مشارکت با مشارکت کل از روش رگرسیون چندگانه همزمان استفاده شد. برای این منظور متغیرهای سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، هنجارهای اجتماعی، سن، سال فعالیت در کشاورزی و دامداری، ساعت فعالیت روزانه در کشاورزی و دامداری، تعداد اعضای خانوار، درآمد ماهانه، اندازه اراضی باغی، اندازه اراضی زراعی، اندازه تحصیلات، تعداد گوسفند و تعداد گاو به طور همزمان وارد معادله رگرسیون شدند. نتایج نشان داد مقدار ضریب همبستگی همزمان (R) برابر با

ارتباط متغیرهای فردی، اقتصادی و اجتماعی و

مشارکت در پروژه

نتایج نشان می‌دهد که اندازه تحصیلات پاسخگویان رابطه مثبت و معنی‌داری با اندازه مشارکت آنها در پروژه دارد. به عبارت دیگر، با افزایش سطح تحصیلات، مشارکت پاسخگویان در پروژه بیشتر می‌شود. اندازه اراضی زراعی و باغی پاسخگویان نیز رابطه مثبت و معنی‌دار با اندازه مشارکت آنان در پروژه دارد، یعنی با افزایش مساحت اراضی زراعی و باغی پاسخگویان، مشارکت آنان در پروژه بیشتر می‌شود. بین هنجارهای اجتماعی و مشارکت پاسخگویان در پروژه نیز رابطه مثبت و معنی‌داری مشاهده شد، یعنی با افزایش پایبندی پاسخگویان به تنظیم رفتارهای خود براساس ارزش‌های اجتماعی، آنان مشارکت بیشتری در پروژه دارند. همچنین بین سرمایه اجتماعی و مشارکت پاسخگویان در پروژه، رابطه منفی و معنی‌داری مشاهده شد. به عبارت دیگر،

اندازه اراضی زراعی، تعداد گوسفند و اندازه درآمد ماهانه به ترتیب بیشترین تأثیر را بر متغیر مشارکت داشته‌اند (جدول ۷). شایان ذکر است اندازه همراستایی (هم خطی) بین متغیرهای مستقل از طریق پارامتر تحمل^۱ کنترل شده بود و همگی به عدد یک نزدیک بود که به معنای وجود هم خطی چندگانه کمتر بود.

۰/۵۹۳ و ضریب تعیین (R^2) برابر با ۰/۳۸ است، به عبارت دیگر، ۰/۳۸ تغییرات متغیر وابسته مشارکت کل از طریق این متغیرها تبیین می‌شود. براساس آماره بتا، تأثیرگذارترین متغیر مستقل بر متغیر وابسته (مشارکت)، متغیر سرمایه فرهنگی با مقدار بتای برابر ۰/۳۳۲ است و پس از آن متغیرهای سرمایه اجتماعی،

جدول ۶- همبستگی بین متغیرهای مستقل و مشارکت

متغیر مستقل	ضریب همبستگی
سن	۰/۰۴۴
اندازه تحصیلات*	۰/۱۰۴
سال فعالیت در کشاورزی و دامداری	-۰/۰۲۱
ساعت فعالیت روزانه در کشاورزی و دامداری	-۰/۰۰۵
درآمد ماهانه	۰/۲۲۸
اندازه اراضی باغی**	۰/۴۵۷
اندازه اراضی زراعی**	۰/۵۰۲
هنجارهای اجتماعی**	۰/۲۲۸
سرمایه اجتماعی**	-۰/۲۸۶
سرمایه فرهنگی**	-۰/۲۷۷

** معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ درصد ** معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ درصد

جدول ۷- نتایج مدل رگرسیونی عوامل مؤثر بر مشارکت

نام متغیر	ضریب B	Beta	T	Sig.
سرمایه اجتماعی*	-۰/۰۵	-۰/۲۹۴	-۳/۳۲۵	۰/۰۰۱
سرمایه فرهنگی*	-۰/۰۵۶	-۰/۳۳۲	-۳/۳۹۹	۰/۰۰۱
هنجارهای اجتماعی	۰/۰۰۱	۰/۰۰۵	۰/۰۷۱	۰/۹۴۴
سن	-۰/۰۰۱	-۰/۰۵۷	-۰/۶۹۹	۰/۴۸۵
اندازه تحصیلات	۰/۰۰۹	۰/۰۶۴	۱/۴۱	۰/۱۵۹
سال فعالیت در کشاورزی و دامداری	۰/۰۰۱	۰/۱	۱/۲۶۹	۰/۲۰۵
ساعت فعالیت روزانه در کشاورزی و دامداری	۰/۰۰۳	۰/۰۵۱	۱/۱۶۳	۰/۲۴۶
تعداد اعضای خانوار	-۰/۰۰۳	-۰/۰۴۱	-۰/۸۳۵	۰/۴۰۴
درآمد ماهانه*	-۰/۰۰۱	-۰/۱۲۴	-۲/۷۶۹	۰/۰۰۶
اندازه اراضی باغی	۰/۰۰۱	-۰/۰۱۵	-۰/۳۰۲	۰/۷۶۳
اندازه اراضی زراعی**	۰/۰۲۱	۰/۲۲۵	۴/۷۷۵	۰/۰۰۰
تعداد گاو	۰/۰۰۷	۰/۰۸۲	۱/۸۸۵	۰/۰۰۶
تعداد گوسفند*	۰/۰۰۱	۰/۱۳۶	۲/۸۳۳	۰/۰۰۵
$R^2 = ۰/۳۸$ $R = ۰/۵۹۳$ $F = ۱۷/۴۸۲$ $Sig = ۰/۰۰۰$				
* معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ درصد ** معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ درصد				

¹ Tolerance

بحث

روند کنونی تخریب منابع طبیعی در کشور به گونه‌ای است که مشکلاتی را متوجه نسل حاضر و آینده کرده است. اگرچه سرعت تخریب با اقدامات دولت در زمینه حفظ، احیا، توسعه و بهره‌برداری منابع طبیعی، قابل مقایسه نیست، با این حال به نظر می‌رسد اقدامات مذکور زمانی با توفیق همراه خواهد بود که برخوردار از مشارکت مردم باشد. این تحقیق با هدف کلی بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت جوامع محلی در پروژه احیای اراضی جنگلی تخریب‌یافته در شهرستان ریگان استان کرمان انجام گرفت. نتایج نشان داد اندازه مشارکت جوامع محلی در پروژه احیای اراضی جنگلی تخریب‌یافته در کل در حد مناسبی است، به گونه‌ای که بیش از ۹۰ درصد آنان با علاقه شخصی و حدود ۸۰ درصد آنان بدون دریافت دستمزد با میانگین ۱۲ ساعت در هفته در پروژه فعالیت دارند. ۸۵ درصد آنان، در عملیات نهال کاری و حدود ۸۰ درصد آنان با میانگین ۴ بار در کلاس‌های آموزشی- ترویجی پروژه شرکت کرده‌اند. خانواده بیش از ۷۰ درصد پاسخگویان با میانگین حدود ۲ نفر در پروژه مشارکت داشته‌اند.

نتایج مقایسه میانگین نشان داد پاسخگویان زن، بومی، دارای وسیله نقلیه، دارای ارتباط بیشتر با کارشناس پروژه و مسافرت به شهر، مشارکت بیشتری در پروژه داشته‌اند. این نتیجه در مورد جنسیت با نتایج تحقیق (Pascalini et al. (2011 و در مورد مسافرت به شهر با نتایج تحقیق (Faham et al. (2008 و Sharifi et al. (2010) مطابقت دارد. دلایل مشارکت بیشتر زنان را می‌توان به محرومیت‌های بیشتر آنان در برخورداری از امکانات در منطقه در مقایسه با مردان و ایجاد فرصت مشارکت برای این گروه توسط پروژه همچون اعطای تسهیلات راه‌اندازی مشاغل خانگی نسبت داد. در مورد افراد بومی، این گروه احساس تعلق و وابستگی بیشتری به محیط تولد و زندگی خود دارند، از این رو

احساس مسئولیت بیشتری در قبال آن دارند و انتظار می‌رود مشارکت بیشتری در پروژه داشته باشند. وجود وسیله نقلیه زمینی را برای رفت و آمد بیشتر افراد به محل اجرای پروژه و مشاهده فعالیت‌ها و اقدامات انجام گرفته در آن و در نتیجه انگیزه بیشتر برای مشارکت فراهم می‌کند. ارتباط بیشتر با کارشناس و مسافرت به شهر نیز زمینه‌ساز کسب اطلاعات فرد از منابع اطلاعات فردی و جمعی در مورد اهمیت و مزایای پروژه می‌شود، در نتیجه مشارکت فرد را در پروژه به همراه دارد. نتایج آزمون همبستگی نشان داد که با افزایش سطح تحصیلات، اندازه اراضی زراعی و باغی و اندازه پابندی به تنظیم رفتارهای خود براساس ارزش‌های اجتماعی (هنجارهای اجتماعی)، مشارکت پاسخگویان در پروژه بیشتر می‌شود، اما با افزایش سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی، مشارکت آنان در پروژه کاهش می‌یابد. در مورد سطح تحصیلات در واقع پاسخگویان با سطح سواد بالاتر، آگاهی و درک بیشتری در زمینه مزایای مشارکت داشتند، از این رو انتظار می‌رود مشارکت بیشتری در پروژه داشته باشند. در تحقیقات (Hematzade & Khalighi (2006, (Sharifi et al. (2010, (Brahmi and Keharsingh (2014) و (Lestaari et al. (2014 نیز به تأثیر سطح تحصیلات بر مشارکت اشاره شده است. مالکیت بیشتر اراضی کشاورزی و باغی نیز موجب افزایش انگیزه پاسخگویان برای مشارکت در پروژه می‌شود، زیرا از این طریق اراضی باغی و کشاورزی خود را از خطر فرسایش بادی حفظ می‌کنند. این یافته با یافته‌های (Sharifi et al. (2010) و همچنین (Erdogan et al. (2014) مطابقت دارد. بر مبنای هنجار اجتماعی نیز انتظار می‌رود پاسخگویان به نوعی با دیگر اعضای جامعه خود هم‌نوا شوند و با مشارکت در پروژه رفتار خود را با رفتار دیگر اعضای جامعه تنظیم کنند. رابطه منفی بین سرمایه اجتماعی و اندازه مشارکت در پروژه را می‌توان به شرایط خاص

- با توجه به مشارکت بیشتر زنان در پروژه، پیشنهاد می‌شود حضور کارشناسان زن در پروژه پررنگ‌تر شود تا امکان ارائه آموزش‌های لازم به این گروه و بسترسازی مشارکت هرچه بیشتر آنان فراهم شود.

- موضوع درآمدزایی پروژه و ایجاد تنوع درآمدی، فعالیت‌های کارآفرینانه و اشتغال از طریق آن، به‌عنوان عامل انگیزشی مهم در افزایش مشارکت جوامع محلی، به‌خصوص برای گروه‌های آسیب‌پذیر چون زنان، جوانان و کشاورزان فقیر و خرده‌مالک مورد توجه جدی قرار گیرد.

- با توجه به تأثیر مثبت مالکیت اراضی بر اندازه مشارکت، پیشنهاد می‌شود مسئولان پروژه از طریق شناسایی آن دسته از جوامع محلی مشارکت‌کننده در پروژه که اراضی کشاورزی بیشتری در اختیار دارند، شرایطی را فراهم سازند تا اراضی این گروه به‌عنوان مزارع نمایشی عملیات حفاظتی انتخاب و به‌عنوان محلی برای بازدید کشاورزان خرده‌مالک در نظر گرفته شود تا از این طریق گروه‌های با اندازه اراضی کمتر نیز به مشارکت در پروژه تشویق شوند.

- با توجه به تأثیر مثبت تعداد دام بر اندازه مشارکت در پروژه، پیشنهاد می‌شود مسئولان پروژه از طریق شناسایی آن دسته از جوامع محلی مشارکت‌کننده در پروژه که دام بیشتری در اختیار دارند، شرایطی را فراهم کنند تا مراتع و واحدهای پرورشی این گروه به‌عنوان نمونه‌ای نمایشی از عملیات حفاظتی انتخاب شوند و به‌عنوان محلی برای بازدید گروه‌های دارای تعداد دام کمتر در نظر گرفته شوند تا از این طریق آنان نیز به مشارکت در پروژه تشویق شوند.

- با توجه به جایگاه مؤثر شوراهای اسلامی روستا نزد جوامع محلی، از توان این گروه در جلب مشارکت جوامع محلی و پیشبرد برنامه‌ها و فعالیت‌های پروژه استفاده بیشتری به‌عمل آید.

- با توجه به تأثیر مثبت بومی بودن پاسخگویان

فرهنگی منطقه نسبت داد، چراکه بیشتر ساکنان منطقه از قوم بلوچ‌اند و به‌نظر می‌رسد روابط بین‌فردی و درون‌گروهی قوی‌تر آنان موجب استقبال کمتر آنان از پروژه‌هایی می‌شود که دولت در آن نقش دارد. این یافته مغایر با یافته‌های (Baghaie et al. 2008) و (Heidari Sareban 2011) است. به‌همین ترتیب رابطه منفی بین سرمایه فرهنگی و اندازه مشارکت در پروژه را می‌توان به تأثیر مثبت افزایش سرمایه فرهنگی بر فهم انتقادی مردم از وضعیت اجتماعی خود نسبت داد و در شرایطی که آنان از عملکرد نهادهای دولتی ناراضی باشند، می‌توان انتظار داشت سطح مشارکتشان در پروژه کاهش یابد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد متغیرهای اندازه اراضی زراعی، تعداد گوسفندان، درآمد ماهانه، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی، از جمله مهم‌ترین متغیرهای پیش‌بینی‌کننده تغییرات متغیر وابسته مشارکت است و در این زمینه متغیر سرمایه فرهنگی نسبت به دیگر متغیرها در تبیین اندازه مشارکت نقش بیشتری داشته است. شایان ذکر است اگرچه افراد با دام بیشتر، مشارکت بیشتری در پروژه دارند، این نتیجه به‌معنای نقش تخریبی دام‌های این افراد نیست، چه اینکه بوته‌کنی برای تأمین سوخت، خشکسالی سال‌های اخیر و... عوامل مهم دیگر تخریب‌اند.

پیشنهادها

- با توجه به رابطه معنی‌دار بین اندازه تحصیلات پاسخگویان و مشارکت، توصیه می‌شود از توان افراد باسواد به‌عنوان افراد تسهیل‌گر و مددکار در فعالیت‌های پروژه استفاده شود.

- با توجه به تأثیر مثبت ارتباط با کارشناس بر اندازه مشارکت پاسخگویان، پیشنهاد می‌شود ضمن افزایش تعداد کارشناسان پروژه، اندازه ارتباط آنان با جوامع محلی بیشتر شود تا از این طریق اطلاعات بیشتری حول پروژه و اهداف آن ارائه شود و زمینه مشارکت هرچه بیشتر جوامع محلی فراهم شود.

هرچه بیشتر افراد غیربومی را در پروژه فراهم سازند. در این مورد لازم است آموزش افراد دریافت‌کننده، در زمینه استفاده صحیح از تسهیلات و امکانات اعطایی در راستای اهداف پروژه مورد توجه قرار گیرد.

بر اندازه مشارکت در پروژه پیشنهاد می‌شود مجریان طرح ضمن اولویت قائل شدن برای افراد بومی در ارائه تسهیلات و امکاناتی چون واگذاری زمین‌های متعلق به منابع طبیعی، اعطای تسهیلات و وام، نهاده‌ها (نهال رایگان، بذر، سم، کود و...)، آموزش‌های ترویجی و... زمینه حضور و ماندگاری

References

- Anabestani, A.A. (2013). Investigating the factors affecting the participation of villagers in the process of Hadi projects leadership projects (Case: Khaf County). *Geography and Regional Development*, 21, 198-224.
- Anabestani, A.A., Khosrobeygi, R., Taghiloo, A.A., & Akbari, M.H. (2013). Analysis of cultural and social factors affecting the level of participation of people in rural Areas (Case: villages in the central district of Jahrom County). *Village and Development*, 15 (1), 85-108.
- Anabestani, A. A., Shayan, H., Jalalian, H., Taghiloo, A.A., & Khosrobeygi, R. (2012). Analysis of structural factors affecting villagers' participation in rural areas development (Case: Ijrud County-Zanjan Province). *Applied Geographical Sciences Research*, 12 (24), 26-47.
- Azimi, N., & Amirilamar, M. (2008). Evaluating the effects of the implementation of the livestock withdrawal from forest plan on foresters in Guilan Province (Case: central district of Rezvān Shahr). *Geographical Research*, 63, 157-171.
- Baghaie, M., Chizari, M., Pezeshkirad, Gh. R., & Feli, S. (2008). Socioeconomic factors affecting the participation of villagers in watershed management projects in Zarchehshemehoonjan Watershed. *Agricultural Extension and Education Sciences*, 4 (1), 73-87.
- Brahmi, M. K., & Keharsingh., T. (2011). Factors affecting people participation in hariyali project under Nargarh block of Himachal Pradesh. *Journal of Farm Sciences*, 1(1), 105-111.
- Erdogan, A., Gunsen, H., Bayramoglu, B., Lise, B., & Wietze, L. (2009). Factors affecting forest cooperatives participation in forestry turkey. *Forest Policy and Economics*, 11(2), 102-108.
- Eshaghi, R., Rezaie, R., Hejazi, Y., Shiri, N., & Ghadimi, A.R. (2013). Analysis of factors affecting the participation of villagers in natural resource conservation projects. *Iranian Agricultural Economic and Development Research*, 44 (3), 462-471.
- Faham, E., Hosseini, M., & Darvish, A.K. (2008). Analysis of factor influencing rural people's participation in national action plan for sustainable management of land water resources in Hable-Rud Basin, Iran. *American Journal of Agricultural and Biological Science*, 3(2), 457-461.
- Farjad, M. H. (1998). *Study of social issues in Iran*. Asatir publications, Tehran, 496 pp.
- Golshiri Esfahani, Z., Khademi, H., Sedighi, R., & Taze, M. (2009). The effect of social integrity on the participation rate of villagers (Case: Gondman district, Borujen County). *Village and Development*, 12 (1), 147-167.
- Heidari, Gh., Barani, H., Aghili, M., Ghorbani, J., Mahboobi, M. R., & Khoshfar, Gh. R. (2004). The Role of Social Capital on Participation in Rangeland Projects Based on the Views of the Applicants for These Plans (Case Study: Baladeh-North of Iran). *Rangeland*, 3 (1), 827-837.
- Heidari Sareban, V. (2011). Investigating the socio-economic factors influencing the knowledge of farmers of Wheat on crop management (Case: Meshgin Shahr County). *Agricultural Extension and Education Researches*, 4 (4), 96-116.

- Hematzade, Y., & Khalighi, N. (2006). Investigating the factors affecting the non-Participation of operators in rangeland and watershed projects (Case: users in Kachic in Golestan Province). *Agricultural Sciences and Natural Resources*, 13 (4), 88-101.
- Kasani, A., Gohari, M.R., Moosavi, T., Asadi Lari, M., Rohanisaf, M., & Shoja, M. (2012). Investigating the components of social capital of the residents of Tehran using path analysis: urban justice measurement plan. *Iran Epidemiology*, 8 (2), 1-12.
- Khajerashidan, F. (2008). Surveying the observance of social norms by Semnan high school girl students, *Social Sciences Research*, 2 (1), 102-132.
- Krejcie, R.V., & Morgan, D.W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement*, 30, 607-610.
- Lawrence, R., & Degen, D. (2001). Choosing public participation methods for natural resource (A contex- specific guide). *Society and Natural Resources*, 14, 857-872.
- Lestaari, S., kotani, K., & Kakinaka, M. (2014). Enhancing voluntary participation in community collaborative forest management (A case of central Java, Indonesia). *Jornal of Environmental Management*, 150, 299-309.
- Nematollahi, Z., Farajollahi, A.H., Mirjalili, M.H., & Momenyfarid, H. (2013). Investigating the factors affecting social capital (trust, coherence and social participation) of Imam Ali Officers University. *Military Management*, 13 (50), 175-202.
- Pascaline Coulibaly, L., Patric, S., Mulualem, T., & Perchrister, O. (2011). Factors influencing people's participation in the forest management program in Burkina Faso, West Africa. *Forest Policy and Economics*, 13 (4), 292-302.
- Rahmani, R. (2010). *Identification of factors affecting the participation of operators in rangeland management in Fars Province*. Ministry of Agriculture Press, Tehran.
- Rohi, F., Amirnejad, H., Heidari, Gh., & Ghorbani, J. (2010). Investigating the role of social factors of users on their participation in implementation of rangeland projects (Case: Ghaemshahr Rangelands). *Rangeland*, 4 (3), 474-482.
- Sharifi, O., Gholamrezaie, S., & Rezaie, R. (2010). Investigating the factors affecting the rate of villager's participation in Jiroft watershed management projects. *Iranian Sciences and Watershed Management Engineering*, 4 (12), 1-9.
- Yusefi, M., & Behbahani, N. (2015). *Introduction the rehabilitation of degraded Forest lands project and activities carried out*, management of the project for rehabilitation of degraded Forest lands with special emphasis on lands affected by wind erosion and saline soils. Available in: <http://www.rfldl.ir>.
- Zare, B., & Fallah, M. (2012). The study of youth lifestyle in Tehran and the factors affecting it. *Cultural Research*, 4 (5), 75-105.



Factors affecting the participation of local communities in rehabilitation of degraded Forestlands project in Rigan County, Kerman Province

M. Darijani¹, M.R. Mahboobi^{2*}, H. Barani³, and GH. Abdollahzade²

¹MSc. Student of Agricultural Extension, Faculty of Agricultural Management, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, I. R. Iran

²Associate Prof., Department of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agricultural Management, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, I. R. Iran

³Associate Prof., Department of Rangeland Management, Faculty of Environment, Rangeland and Watershed Management, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, I. R. Iran

(Received: 9 August 2016, Accepted: 24 July 2017)

Abstract

Utilizing public participation in protecting and restoring the natural resources is considered as a milestone. So the emphasis on public participation in decision-making of natural resources conservation is the solution. The aim of this research was to determine the affecting factors on local communities' participation in the rehabilitation of degraded forestlands project in Rigan County, Kerman Province. Using descriptive research and survey technique, 360 of the participants in the project were randomly selected. Data were collected through a questionnaire which its validity and reliability were confirmed by a pilot study. The correlation test showed that there is a significant and positive relationship between variables of education level, farm, and garden size and social norms, and a negative relationship between social capital, cultural capital and participation of local communities in the project. The regression analysis showed that 38 percent of participation variability was explained by the variables such as cultural capital, social capital, farm size, number of sheep and amount of monthly income. This study recommended more communication with the local community by experts and more attention to the participation of certain groups such as women in the project.

Keywords: Participation, Natural resources, Social capital, Rigan County.